

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۷

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال اول

مقالات

توصیف خواسته در قانون و رویه قضایی • اصول بنیادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی
آنسیترال • مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری • شناسایی در حقوق بین‌الملل: آثار حقوقی
شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا • اصول حاکم بر تعارض ادله اثبات دعوا • جلوه‌های
حقوق بین‌الملل کیفری در خاورمیانه؛ از محاکمه صدام تا محاکمه عاملان ترور رفیق حریری

موضوع ویژه: بورس اوراق بهادار در حقوق ایران و کشورهای دیگر

مبانی و اصول تعهد به دادن اطلاعات در بورس • مطالعه تطبیقی ممنوعیت‌های دارندگان اطلاعات
نهانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار • تحلیل جرم معامله متکی بر اطلاعات نهانی • مبارزه با
تقلب در بازارهای اوراق بهادار؛ نگاهی به نظم حقوقی بازار اوراق بهادار در ایالات متحده آمریکا •
بررسی آراء قضایی صادره در خصوص معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات نهانی • مسؤولیت
مدنی کارگزاران بورس و فرایند طرح دعاوی مرتبط در مراجع صالحه • مسؤولیت کارگزاران در
معاملات فضولی اوراق بهادار با تکیه بر رویه هیأت داوری • نقش صکوک در تأمین مالی پروژه‌ها و
تأملی بر قوانین و مقررات حاکم بر آن • داوری اختلافات در بازار اوراق بهادار • ماهیت حقوقی و
صلاحیت‌های هیأت داوری بازار اوراق بهادار • قواعد حاکم بر تشکیل شرکت‌های سهامی عام در پرتو
قانون بازار اوراق بهادار • آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر خدمات بورس
اوراق بهادار • ادغام فرامرزی بازارهای بورس سهام و اوراق بهادار: توهم یا واقعیت؟

نقد و معرفی

ملاحظات پیرامون «نظریه مشورتی کوزوو» • بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازننگری اساسنامه
دیوان کیفری بین‌المللی • نقدی بر قانون جدید بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه
• علائم تجاری غیر سنتی • قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت: بازنمایی نبرد حق و قدرت در جهان
نامتحد • ششمین دوره مسابقات شبیه‌سازی دیوان کیفری بین‌المللی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_40948.html

مجله پژوهشهای حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۷، نیمسال اول ۱۳۸۹
صفحات ۳۴۱ الی ۳۶۶، تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۲۴

مسئولیت کارگزاران در معاملات فضولی اوراق بهادار با تکیه بر رویه هیأت داور

محدثه فریدون* - دکتر کوروش کاویانی**

چکیده: امروزه یکی از مشکلات مبتلابه سرمایه‌گذاران در حوزه بازار اوراق بهادار، وقوع معاملات فضولی توسط کارگزاران معتمد آنان است. از نظر حقوقی معاملات فضولی اوراق بهادار با سایر معاملات وجوه تمایز بسیاری دارند مثلاً برای احراز «قبول» مالک، امارات متفاوت و قابل بحثی وجود دارد که با معاملات سایر اموال متفاوت است. هم چنین در صورتی که مالک، معامله فضولی را با قاطعیت رد نماید با توجه به سرعت در معاملات و عدم امکان تغییر در سیستم، نمی‌توانیم سهام معامله شده را جابه‌جا نموده و از اصیل پس بگیریم. بنابراین باید از نظر حقوقی راه حل مناسبی برای جبران همه جانبه خسارات مالک پیدا نماییم تا هم با اصول و قواعد حقوقی هم خوانی داشته باشد و هم پاسخگوی نیاز سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار باشد. در این خصوص، این مقاله با تمرکز بر آرای هیأت داور که مرجع تخصصی رسیدگی به این اختلافات است و با استناد به قواعد حقوقی، به بررسی احکام جاری در این خصوص می‌پردازد. هم چنین در مورد چگونگی جبران ضرر مالک در حالت افول قیمت سهام معامله شده و بسته شدن نماد سهام مذکور، مباحثی مطرح گردیده است.

کلیدواژه‌ها: معامله فضولی، کارگزار، هیأت داور، اوراق بهادار.

مقدمه

با تصویب قانون بازار اوراق بهادار در آذر ۱۳۸۴، قواعد جدیدی بر بازار سرمایه حاکم شد و سیستم جدیدی بر پایه سیاستهای اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی و اهتمام به خصوصی‌سازی بر مبنای توسعه بورس، پی‌ریزی گردید. طبق این قانون حل و فصل اختلافات (حقوقی) بازار

* کارشناس حقوقی سازمان بورس و اوراق بهادار، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی، وکیل پایه یک دادگستری

** دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

سرمایه در صلاحیت مرجعی به نام هیأت داورى قرار گرفت. در خصوص هیأت داورى، بند ۴ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار بیان می‌دارد که: «هیأتی است که به موجب ماده ۳۷ این قانون تشکیل می‌شود.»^۱

هیأت داورى موضوع این قانون را نمی‌توان مشابه داورى قراردادی که قاضی (حکم یا داور) آن منتخب طرفین است دانست. بلکه نوعی داورى شبه قضایی یا داورى اجباری است، که بنا به جهاتی قانون‌گذار، اختیارات داورى و قضایی را یکجا برای آن در نظر گرفته است. به تعبیر دیگر می‌توان آن را، با کمی مسامحه، اجتماع داورى و دادگاه در یک مرجع دانست، صلاحیت هیأت داورى را قانون مقرر نموده و جنبه امری و ذاتی دارد. لذا، طرفین اختلاف نمی‌توانند با تعیین شرط خاص در قراردادهایشان رجوع به آن را از یک طرف یا طرفین سلب نمایند و یا در صورت بروز اختلاف و بقای آن با وجود دخالت میانجی، حل و فصل نهایی را به دادگاه دادگستری موکول نمایند. به رغم چنین امری، هیأت داورى بازار اوراق بهادار صالح به رسیدگی جرایم مقرر در قانون بازار اوراق بهادار نیست.^۲ رسیدگی پرونده‌ها در هیأت به استناد ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار منوط به عدم سازش طرفین اختلاف در کانونها می‌باشد. کانون زیربط پس از برگزاری جلسه جهت حل و فصل قضیه اختلافی و عدم حصول نتیجه اقدام به صدور گواهی عدم سازش نموده که این گواهی یکی از مقدمات طرح پرونده در هیأت داورى قلمداد می‌شود. صلاحیت هیأت داورى یک صلاحیت ذاتی است که به موجب قانون بوده و از صلاحیت

^۱ ماده ۳۶. اختلافات بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران، و سایر اشخاص ذیربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنها، در صورت عدم سازش در کانونها توسط هیأت داورى رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۷. هیأت داورى متشکل از سه عضو می‌باشد که یک عضو توسط رییس قوه قضاییه از بین قضات باتجربه و دو عضو از بین صاحب‌نظران در زمینه‌های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان و تأیید شورا به اختلافات رسیدگی می‌نمایند. رییس قوه قضاییه و سازمان با تأیید شورا علاوه بر نماینده اصلی خود، هر یک عضو علی‌البدلی تعیین و معرفی می‌نمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیأت داورى شرکت نمایند. شرایط عضو علی‌البدل همانند عضو اصلی می‌باشد.

تبصره ۱- ریاست هیأت داورى با نماینده قوه قضاییه خواهد بود.

تبصره ۲- مدت مأموریت اعضای اصلی و علی‌البدل دو سال می‌باشد و انتخاب مجدد آنان حداکثر برای دو دوره دیگر بلامانع است.

تبصره ۳- هیأت داورى دارای دبیرخانه‌ای است که در محل سازمان تشکیل می‌گردد.

تبصره ۴- بودجه هیأت داورى در قالب بودجه سازمان منظور و پرداخت می‌شود.

تبصره ۵- آرای صادر شده از سوی هیأت داورى قطعی و لازم‌الاجراست و اجرای آن به عهده اداره‌ها و دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد.

^۲ سام سوادکوهی‌فر، هیأت داورى بازار اوراق بهادار، تهران، نشر شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۸، صص ۹ الی ۱۵.

محاکم عمومی با وجود اینکه مرجع تظلمات عمومی هستند، منتزع شده است. بر این اساس صدور قرار عدم صلاحیت توسط دادگاههای عمومی و خودداری از رسیدگی، در دیوان عالی کشور تأیید شده و دیوان پرونده را به هیأت داوری ارجاع می‌دهد. مضافاً بر آنکه صلاحیت هیأت داوری یک صلاحیت حقوقی است و تنها به موارد حقوقی (اختلافات) رسیدگی می‌کند و در صورت اثبات ادعا حکم به جبران خسارت صادر می‌شود. لذا صلاحیت کیفری یا انضباطی ندارد.^۳ آنچه در این بین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است مبانی آرای است که از سوی هیأت داوری صادر شده و در بازار ایجاد رویه می‌نماید. بی‌شک شناخت این مبانی و آگاهی از آنها برای فعالان و سرمایه‌گذاران بازار سرمایه موجب کاهش تعداد اختلافات شده و از بسیاری از تخلفات که منجر به بروز اختلافات مالی می‌گردند پیشگیری می‌نماید.

مطابق مفاد تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار آراء هیأت داوری قطعی و لازم‌الاجرا بوده و قابل تجدیدنظرخواهی نمی‌باشند و اجرای آن بر عهده ادارات اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک می‌باشد.

اختلافات مالی مطروحه در هیأت داوری عمدتاً به فروش بدون مجوز، انتقال وجه بدون مجوز، خرید سهام به وسیله کارگزار بدون تأمین وجه، عدم تأدیه وجه در معاملات عمده، فروش سهام به وسیله افراد معتمد سهام‌داران بدون وکالتنامه رسمی خرید و فروش، عدم پرداخت سود سهام شرکت‌های بورسی، عدم اقدام کارگزار برای دریافت برگه حق تقدم، عدم فروش سهام، عدم خرید سهام، عدم فروش به موقع، عدم خرید به موقع و ... می‌باشد و در این میان فروشهای بدون مجوز توسط کارگزاران بیشترین آمار را دارد.^۴

گفتار اول: کلیات

بخش ۱: تعریف کارگزاری و خدمات آنان

قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در بندهای ۱۳ و ۱۴ ماده ۱ کارگزار را به دو صورت زیر تعریف نموده است:

بند ۱۳- کارگزار: شخص حقوقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آنها معامله می‌کند.

بند ۱۴- کارگزار/معامله‌گر: شخص حقوقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آنها و یا به نام و حساب خود معامله می‌کند.

مطابق ماده ۳۳ آیین‌نامه معاملات شروع به فعالیت کارگزاری، کارگزاری/معامله‌گری و

^۳ جهت مطالعه بیشتر، نک: غلامعلی میرزایی منفرد، ساز و کارهای حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه

ایران، انتشارات شرکت اطلاع‌رسانی بورس، تابستان ۱۳۸۷، صص ۷۱ الی ۷۹.

^۴ همان، ص ۲۹.

بازارگردانی به هر شکل و تحت هر عنوان، منوط به عضویت در کانون مربوط و رعایت مقررات این قانون و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن است. قانون ب.ا.ب در تعریف کارگزاران فقط از خدمات معامله نام برده است اما طبق اساسنامه نمونه کارگزاران که سازمان بورس به آنها ارائه می‌نماید یک کارگزاری حسب هدفی که از تشکیل آن دنبال می‌شود در صورت داشتن مجوز و درج در اساسنامه می‌تواند به موارد ذیل مبادرت ورزد:

الف) خدمات کارگزاری، کارگزار / معامله‌گری و بازارگردانی شامل: معامله اوراق بهادار از قبیل سهام، اوراق مشارکت، حق تقدم خرید سهام، اختیار معامله و قراردادهای آتی برای دیگران و به حساب آنها یا به نام و حساب خود؛- معاملات کالاهای پذیرفته شده برای دیگران و به حساب آنها؛- بازارسازی و بازارگردانی اوراق بهادار و کالاهای پذیرفته شده.

ب) خدمات مالی و مشاوره‌ای شامل: مدیریت صندوقهای سرمایه‌گذاری؛ نمایندگی ناشر برای ثبت اوراق بهادار و دریافت مجوز عرضه؛ بازاریابی برای فروش اوراق بهادار؛ سبدگردانی اوراق بهادار؛ مشاوره و انجام کلیه امور اجرایی برای پذیرش اوراق بهادار یا کالا در هر یک از بورسها و بازارهای خارج از بورس به نمایندگی از ناشر یا عرضه‌کننده کالاها؛ و مشاوره در زمینه‌های زیر:

الف) قیمت‌گذاری اوراق بهادار؛ ب) روش فروش و عرضه اوراق بهادار؛ ج) طراحی اوراق بهادار؛ د) خرید، فروش یا نگهداری اوراق بهادار؛ ه) سرمایه‌گذاری؛ و) مدیریت ریسک؛ ز) ادغام، تملک، تغییر و تجدید ساختار سازمانی و مالی شرکتها؛ ح) طراحی و تشکیل نهادهای مالی.^۵

بخش ۲: خرید و فروش بدون مجوز اوراق بهادار

چنانچه ذکر گردید فروشهای بدون مجوز توسط کارگزاران بیشترین آمار اختلافات مطروحه در هیأت داوری را دارد. علت اصلی وقوع شمار قابل توجهی از پرونده‌های فروش بدون مجوز را می‌توان در عدم دقت و ساده‌انگاری کارگزاران در رعایت مقررات حقوقی، خاصه اخذ وکالت‌نامه

^۵ طبق آیین‌نامه ارائه خدمات مشاوره و سبدگردانی اوراق بهادار (مصوب شورای بورس-۸۳/۸/۴) منظور از مشاوره، ارائه نظر مشورتی در قالب قراردادی مشخص برای خرید و فروش اوراق بهادار پذیرفته شده در «بورس» برای سرمایه‌گذار معینی است که به منظور کسب انتفاع «سرمایه‌گذار» صورت می‌گیرد و منظور از سبدگردانی خرید و فروش اوراق بهادار پذیرفته شده در «بورس» برای «سرمایه‌گذار» معین است که به نمایندگی از طرف وی، در قالب قراردادی مشخص و به منظور کسب انتفاع «سرمایه‌گذار» صورت می‌گیرد. ارائه خدمات توسط «مشاور و سبدگردان» به هر «سرمایه‌گذار» بر اساس انعقاد قرارداد جداگانه انجام خواهد شد. قرارداد ارائه «مشاوره» از قرارداد «سبدگردانی» جدا خواهد بود. نمونه این قراردادها که مسؤلیت «مشاور و سبدگردان» و حقوق و تکالیف دو طرف قرارداد را مشخص خواهند کرد، توسط «بورس» تهیه و ابلاغ می‌شود.

رسمی برای فروش دانست. این دسته از تخلفات غالباً به دلیل اعتماد کارگزاران به واسطه‌های غیررسمی، افراد دلال یا کسانی که از منسوبین سهام‌داران بوده لیکن مجوز مکتوب در انجام فعالیت وکالتی یا نیابتی خود نداشته‌اند و نیز به دلیل اعتماد به برخی کارکنان کارگزاریها که با سهام‌داران به هر دلیل ارتباط معاملاتی برقرار نموده‌اند، به وقوع پیوسته است. عدم نظارت مناسب کارگزاریها در تنظیم دقیق فرمهای فروش که به نوعی ناشی از نقص سیستم مدیریتی است را نیز باید از دیگر علل وقوع فروش سهام بدون مجوز تلقی نمود. بدین منظور کارگزاران باید در خصوص اینکه کارمندان شرکت کارگزاری در شناسایی شخص اصیل یا وکیل، از طریق مدارک معتبر از جمله کارت ملی و شناسنامه و وکالت‌نامه رسمی دقت کافی معمول داشته‌اند یا خیر، تمهیدات لازم را به کار گیرند تا از کامل بودن فرم فروش سهام اطمینان حاصل شود.^۶

^۶ آقای (هم) به شرح درخواست تقدیمی به طرفیت شرکت کارگزاری (آ) نوین مدعی است شرکت خواننده بدون اطلاع و نبودن برگه فروش سهام وی را فروخته و وجه آن را به حساب شرکت برده است. نامبرده برگشت وجه مذکور با کلیه ضرر و زیان آن را از تاریخ فروش مورد مطالبه قرار داده است. صورتجلسه کمیته سازش به شماره ۶۱-۸۷/۹/۱۳ حاکی است: «با توجه به گزارش بازرسی و ادعای خواهان و عدم قبولی ادعای نامبرده توسط خواننده سازش بین طرفین حاصل نگردید». مدیر عامل شرکت کارگزاری (آ) در جلسه مورخ ۳/۳/۸۸ هیأت داوری در مقام دفاع اظهار داشته: «بر اساس دستور فروش آقای (ص) فروختیم چون وجه را آقای (ص) ریخته بودند و ما به این کار اعتماد کردیم ... تعداد ۱۱ هزار سهم است و نه ۱۱ هزار و صد سهم که مبلغ حاصل از فروش ۱۵ میلیون و هشتصد و سی و شش هزار و نهصد و چهل و هفت ریال (۱۵,۸۳۶,۹۴۷ ریال) است. در مقابل هفت میلیون تومانی که سهام خریداری شده مسؤول می‌باشیم و تا این اندازه قبول دارم.» هیأت داوری با اعمال مهلت لازم جهت دریافت هرگونه توضیح و دفاعیه تکمیلی طرفین و نهایتاً با وصول سابقه موجود در مدیریت نظارت بر کارگزاران، ختم دادرسی را اعلام و پس از مشاوره به شرح آتی اعلام رأی می‌نماید. رأی هیأت داوری ادعای آقای (هم) به طرفیت شرکت کارگزاری (آ) نسبت به برگشت وجه ناشی از فروش غیر مجاز تعداد ۱۱,۰۰۰ سهم هیکو با توجه به صورتحساب تفصیلی نقل و انتقالات آقای (هم) و همچنین اذعان مدیرعامل شرکت کارگزاری مبنی بر مسؤولیت شرکت در قبال هفت میلیون تومان سهام خریداری شده و نیز مفاد گزارش مدیریت نظارت بر کارگزاران سازمان بورس و اوراق بهادار مشعر بر اینکه کارگزار کنترل‌های داخلی لازم را در احراز هویت مشتری اعمال نموده و سهام غیر را با دستور شخص ثالث به فروش رسانده است، وارد می‌باشد و لذا حکم به تادیه وجه ناشی از فروش ۱۱,۰۰۰ سهم هیکو به میزان ۱۵,۸۳۶,۹۴۷ (پانزده میلیون و هشتصد و سی و شش هزار و نهصد و چهل و هفت ریال) در حق خواهان مستنداً به مواد ۲۹ و ۳۵ آیین‌نامه معاملات در بورس و ماده ۳۰۱ قانون مدنی صادر می‌گردد. ادعای دیگر خواهان مبنی بر مطالبه کلیه ضرر و زیانهای ناشی از فروش ۱۱,۰۰۰ سهم هیکو از تاریخ فروش یعنی ۲۵/۱۱/۸۴ تا زمان صدور رأی، با توجه به احراز ضمان خواننده نسبت به فروش غیر مجاز و مستندات موجود و تحقق شروط قانونی مطالبه خسارت عدم پرداخت دین، موجه تشخیص و بر طبق مواد ۳۰۸ و ۳۲ قانون مدنی و نیز مواد ۱ و ۲ قانون مسؤولیت مدنی و مواد ۵۱۵، ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، خواننده دعوا به پرداخت مبلغ ۱۱,۹۴۸,۲۹۸ ریال بابت خسارت وارده طبق شاخص CPI (شاخص بهای مصرف‌کننده) و

کارگزاران در مواردی هم، بدون تأمین وجه از سوی سفارش‌دهنده سهام، اقدام به خرید به نام او می‌نمایند. سپس به علت عدم پرداخت وجه ناشی از خرید سهام از سوی سفارش‌دهنده از تحویل سهام به سفارش‌دهنده امتناع نموده و بدون هماهنگی با سازمان بورس، اقدام به فروش سهام خریداری شده می‌نمایند. این امر راه را برای ادعای صاحب سهام باز می‌گذارد. خرید بدون مجوز تنها ۵ درصد از پرونده‌ها را به خود اختصاص داده است که منتهی به سازش شده و گزارش اصلاحی صادر شده است. خرید سهام بدون مجوز اغلب به دلیل اعتماد کارگزار به مشتری و سعی کارگزاران در افزایش سرعت و حجم معاملات اتفاق می‌افتد. بنابراین کارگزاری، بده-بستانی^۷ را به شکل افزایش سرعت و حجم معاملات در مقابل قبول ریسک عدم پرداخت وجه خرید صورت می‌دهد (بدین معنی که کارگزار بدون آنکه وجه خرید سهام را از قبل دریافت نموده باشد اقدام به خرید سهام می‌کند و ریسک عدم پرداخت وجه خرید را می‌پذیرد) که به دلیل ذینفع بودن کارگزار و تمایل کارگزار به این کار، مسئولیت متوجه کارگزار خواهد بود و سازمان در صورت عدم تأمین وجه از سوی صاحب سهم به صورت ارفاقی، می‌تواند مجوز فروش و برداشت همان سهام را صادر نماید. زمان تسویه $t + 3D$ یا $t + 72H$ (سه روز پس از معامله) است، اما تا زمان اخذ مجوز سازمان، ممکن است سفارش‌دهنده تمایل خود را به پرداخت وجه اعلام نماید.^۸

بخش ۳: وظایف کارگزار در پیشگیری از معاملات فضولی

در ذیل سه مورد از اهم وظایف کارگزاران را که عدم رعایت آنان منجر به وقوع معامله فضولی می‌گردد، نام برده و مستندات قانونی آن را ارائه می‌نماییم. مضافاً بر آنکه در مواردی که تخطی از این وظایف منجر به صدور رأی محکومیت کارگزار در هیأت داوری شده باشد، به اختصار رأی ذیربط به عنوان نمونه درج گردیده است.

۱- خرید و فروش مطابق دستور

بر اساس ماده ۲۲ آیین‌نامه معاملات کارگزاران موظف‌اند ضمن رعایت سفارش مشتریان از فرمهایی برای پذیرش سفارشهای خرید و فروش مشتریان استفاده کنند که از طرف «بورس»

مبلغ ۱,۱۴۵,۸۷۵ ریال بابت هزینه دادرسی در حق خواهان محکوم می‌گردد. خواسته خواهان نسبت به مازاد بر ۱۱,۰۰۰ سهم توجهاً به صورتحساب تفصیلی نقل و انتقالات غیر ثابت تشخیص و حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌گردد. این رأی به موجب تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار قطعی و از طریق دوائر اجرای ثبت اسناد و املاک لازم‌الاجرا می‌باشد.

محمدصادق دبیری
عضو هیأت داوری

دکتر شاپور محمدی
عضو هیأت داوری

دکتر سام سوادکوهی فر
رئیس هیأت داوری

7. trade-off

^۸ همان، صص ۲۹ و ۳۰.

طراحی شده است. سفارشی که به صورت غیرحضوری از طریق تلفن، فاکس، و یا به شکل الکترونیک به کارگزار داده می‌شود، باید به نحوی انجام شود که در دستورالعمل ذیربط تصریح می‌گردد. ماده ۲۶ اشاره دارد کارگزاران موظفند دستورهای خرید و فروش مشتریان خود را در محدوده مقرر در دستور مشتری به تدریج یا یکجا عمل نمایند. اگر در پایان مهلت، قسمتی از دستور مشتری هنوز عمل نشده باشد، کارگزاران پس از تماس با مشتریان خود، باید یا مهلت مقرر در دستور را تمدید کنند یا دستور مشتری را نسبت به مانده عمل نشده، ابطال نمایند.

تبصره این ماده مقرر می‌دارد: در صورت تمدید مهلت دستورهای مشتریان پس از انقضای مدت اولیه، مهلت جدید به عنوان دستور جدید تلقی می‌گردد و در نوبت مربوط قرار خواهد گرفت، مگر این که مشتری پیش از پایان موعد مقرر، اقدام به تمدید مدت دستور خرید نموده باشد که در این صورت، نوبت قبلی وی، تا تکمیل دستور خرید، محفوظ می‌ماند.

در قضیه‌ای که در هیأت محترم داوری طرح و به صدور گزارش اصلاحی منتهی گردید.^۹ آقای (م) طی درخواستی به هیأت داوری عنوان نمودند که در تاریخ ۸۳/۸/۲۶ به کارگزاری (س) مراجعه و ضمن ابراز تمایل به سرمایه‌گذاری به میزان ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال، مقرر گردید پس از واریز مبلغ مزبور به حساب شرکت کارگزاری جهت خرید ۵۰۰۰ سهام شرکت سرمایه‌گذاری غدیر و الباقی پس از اتخاذ تصمیم نهایی و قطعی نسبت به خرید سهام یکی از شرکتهای توسعه معادن روی و سرمایه‌گذاری ساختمان اقدام شود. لیکن در تاریخ ۸۳/۸/۲۷ تلفنی به ایشان اطلاع داده می‌شود که سهام شرکتهای غدیر و بوعلی را شرکت کارگزاری خریداری کرده است و علیرغم اعتراض خواهان و سعی و اصرار ایشان بر تغییر سهام بوعلی شرکت کارگزاری به وی اعلام داشته که سهام بوعلی مرغوب بوده و ریسکی ندارد و سود خوبی می‌دهد و در بدترین شرایط از ۳۵۰ تومان پایین‌تر نیامده است. خواهان در ادامه اظهاراتش تأکید نموده که جهت خرید سهام بوعلی هیچ‌گونه فرمی توسط ایشان پر و تکمیل نگردیده است. در گزارش اصلاحی صادره خواننده موظف گردید با توجه به اینکه مطابق دستور مشتری عمل نموده است مبلغ ۵ میلیون ریال به خواهان پرداخت نماید.

۲- لزوم تکمیل فرم دستور خرید و فروش با ذکر شماره و تاریخ

مطابق ماده ۲۵ آیین‌نامه معاملات کارگزاران موظفند تمام دستور فروشها را نیز مانند دستور خریدها با ذکر شماره و تاریخ تکمیل کنند و سهام و اوراق قرضه و مشارکت را پس از دریافت در اولین جلسه بورس، بی‌درنگ، برای فروش در قیمتهای تعیین شده از طرف مشتری عرضه نمایند و تا حد امکان بکوشند که سهام و اوراق قرضه و مشارکت مشتریان را با بالاترین قیمت ممکن به فروش رسانند. در این مورد به دادنامه شماره ۸۷/هـ/۶۲ صادره از هیأت محترم داوری در این خصوص اشاره می‌گردد: بر اساس مستندات موجود در پرونده خواهان در پی عدم حصول

^۹ (دادنامه: ۸۷/هـ/۶۱)

سازش مستنداً به صورتجلسه کمیته حل اختلاف طی درخواست شماره ۱۳۱/۱۱۵۰- خطاب به هیأت داورى اعلام می‌نماید که کارگزاری خواننده در دی ماه ۸۴، ۳۰,۰۰۰ سهم خواهان را بدون وجود دستور به فروش رسانده مضافاً اینکه وجهی نیز از بابت این فروش به حساب وی واریز نکرده است و پس از شکایت به کارگزاری خواننده هیچ اقدامی از سوی خواننده صورت نگرفته است. در «رأی هیأت» آمده است: دعوای خواهان در خصوص مطالبه بهای تعداد ۳۰,۰۰۰ سهم از شرکت کارگزاری با عنایت به اینکه ۱- وفق اظهارات خواننده، فروش سهام شرکت پ به تعداد ۳۰,۰۰۰ سهم متعلق به خواهان به درخواست شفاهی کارگزاری (ر) سهام انجام گردیده و مجوزی از خواهان دریافت نشده است، ۲- طبق ماده ۳ آیین‌نامه معاملات در سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار که حاکم بر معامله بوده است «... کارگزاران پیشنهاد خرید و فروش خود را با توجه به سفارشهای خریداران و فروشندگان، تعداد اوراق بهادار و قیمت آنها را در سامانه معاملاتی وارد خواهند نمود» و در مانحن فیه به اذعان خواننده در خصوص سهام مورد اختلاف چنین سفارشی وجود نداشته است، ۳- اطلاعیه مدیر بازرسی سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار در تاریخ ۸۴/۱۰/۲۲ که ناظر به مسؤلیت کارگزاران در عملیات خرید و فروش بوده است حاکی است: «... مسؤلیت خرید سهام برای مشتریان قبل از دریافت وجوه یا فروش سهام وکالتی بدون کامل بودن مدارک حقوقی و تأیید شده به عهده کارگزاران محترم می‌باشد»، ۴- عرف استنادی خواننده در دعوای خواهان مبنی بر اینکه به لحاظ عدم پرداخت وجه ناشی از خرید مجاز به فروش بدون کسب اجازه از صاحب سهام بوده است موافق حقوق قانونی سرمایه‌گذاران از جهت رعایت مقررات فوق‌الاشعار نمی‌باشد. ۵- ضرورت دارد از اعتماد سرمایه‌گذاران به عملیات بازار بورس و اوراق بهادار حمایت شده و رعایت مقررات قانونی حاکم بر بازار توسط کارگزاران تضمین گردد. با توجه به جمیع موارد فوق ملاحظه می‌گردد که خواسته خواهان در رأی صادره وارد تشخیص و خواننده به موجب ماده ۳۵ آیین‌نامه معاملات در سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار حاکم بر معامله (مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۷ شورای بورس) و ماده ۳۰۴ قانون مدنی به پرداخت بهای ۳۰,۰۰۰ سهم شرکت «پ» معادل قیمت یوم‌الاداء محکوم می‌گردد، و در رأی دیگری به پرداخت مابه‌التفاوت قیمت یوم‌الاداء و اعلى قیمت سهام و نیز پرداخت خسارات سود محکوم گردیده است.

در قضیه دیگری خواهان دعوا از طریق همکاران طی تماس مطلع می‌شود که سهام آنها نیز بدون وجود دستور توسط شخص دیگری که وکالت رسمی نداشته از طریق کارگزاری بفروش رفته است. در رأی صادره آمده است: «کارگزار نمی‌تواند مسؤلیت حرفه‌ای خود را نادیده گرفته و بدون داشتن وکالتنامه محضری از اشخاص به عنوان واسطه بین شرکت و مشتریان خویش دستور خرید و یا فروش گرفته و بدان عمل نماید. شرکت کارگزاری مسؤول جبران خسارت وارده به شاکیان از این قبیل می‌باشد»، لذا وفق مادتين ۲۵ و ۳۳ آیین‌نامه معاملات در بورس مصوب ۱۳۵۳ مجری در زمان وقوع فروش، کارگزاری (ت) را به پرداخت مبلغ ... ریال بابت

اصل خواسته (با توجه به نظر کارشناسی) در حق خواهان محکوم می‌نماید. نظر به احراز تمکن خواننده و امتناع وی از پرداخت وجه حاصل از فروش به خواهان، وی را از باب تسبیب، ضامن خسارات تشخیص و در اجرای ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی بر مبنای شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (CPI)، به پرداخت مبلغ ... در حق خواهان محکوم می‌نماید.

۳- احراز هویت و دقت در مدارک هویتی و جعلی نبودن آنها

از آنجا که در فروش سهام، احراز هویت دستوردهنده فروش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است احراز هویت و دقت در مدارک هویتی و لزوم اخذ دستور از مالک یا نماینده قانونی وی برای کارگزار فروشنده از اهمیت بالایی برخوردار است تا آنجا که ممکن است در صورت عدم توجه کافی به این قضیه محکوم به پرداخت خسارت به زیان‌دیده گردند.

در بسیاری از موارد معاملات فضولی کارگزار و بالاخص فروشهای فضولی کارگزار، به جهت قبول دستور فروش سهام از شخصی غیر از مالک است که از جانب وی مأذون نمی‌باشد. بنا بر این ضروری است کارگزار فروشنده، به جهت پیش‌گیری از وقوع معامله فضولی، مدارک هویتی دستوردهنده را ملاحظه و بررسی نماید تا اگر دستوردهنده شخصی غیر از مالک است و کالت معتبر و یا نمایندگی معتبر و قانونی ارائه نماید. برای مثال در یکی از پرونده‌های مطروحه نزد هیأت داور که منجر به صدور رأی به محکومیت شرکت کارگزاری گردید خواهان به طرفیت شرکت کارگزاری طرح دعوا نموده و مدعی بود شرکت خواننده بدون اطلاع و نبودن گواهینامه سهام، سهام وی را فروخته و وجه آن را به حساب شرکت واریز کرده است. نامبرده وجه مذکور با کلیه ضرر و زیان آن را از تاریخ فروش مورد مطالبه قرار داده است. مدیر عامل شرکت کارگزاری خواننده در جلسه رسیدگی هیأت داور در مقام دفاع اظهار داشت که فروشها بر اساس دستور آقای (ص) بوده و از ابتدا ما با خواهان که صاحب سهام بود در ارتباط نبودیم. با توجه به اینکه در هنگام خرید سهام، مبلغ پرداختی را آقای (ص) واریز کرده بودند ما به ایشان اعتماد کردیم و وقتی به علت بدهی خواهان با ایشان جلسه گذاشتیم دستور فروش سهام را دادند. هیأت داور با توجه به صورتحساب تفصیلی نقل و انتقالات خواهان و همچنین اذعان مدیرعامل شرکت کارگزاری مبنی بر فقدان دستور فروش صاحب سهم و نیز مفاد گزارش مدیریت نظارت بر کارگزاران سازمان بورس و اوراق بهادار مشعر بر اینکه کارگزار کنترل‌های داخلی لازم را در احراز هویت مشتری اعمال ننموده و سهام غیر را با دستور شخص ثالث به فروش رسانده است، خواسته را وارد دانسته و حکم به تأدیه وجه ناشی از فروش سهام ذیربط در حق خواهان را صادر، و در خصوص ضرر و زیان ذیربط از تاریخ فروش یعنی ۲۵/۱۱/۸۴ تا زمان صدور رأی، با توجه به احراز ضمان خواننده نسبت به فروش غیرمجاز و مستندات موجود و تحقق شروط قانونی مطالبه خسارت عدم پرداخت دین، آن را موجه تشخیص و خواننده دعوا را بابت خسارت

وارده طبق شاخص CPI (شاخص بهای مصرف‌کننده) محکوم نمود. ضمن آنکه پرداخت هزینه‌های دادرسی خواهان نیز بر عهده محکوم‌علیه قرار گرفت.

بخش ۴: ماهیت حق دارندگان اوراق بهادار - حق عینی یا دینی؟

سؤالی که در اینجا ممکن است به ذهن خطور نماید این است که آیا حقوق دارندگان اوراق بهادار از جمله حقوق عینی‌اند که از نظر حقوقی معامله فضولی نسبت به آنها مفهوم داشته باشد یا خیر. در این خصوص باید به نظرات حقوقدانان در تقسیم‌بندی حقوق عینی و دینی مراجعه و حکم را استخراج نماییم. موضوع حقوق عینی، همیشه یک شیء مادی است و باید در خارج معین باشد،^{۱۰} باشد،^{۱۱} در عینی بودن حق مالکیت اوراق بهادار تردید حاصل می‌شود زیرا بدون تردید دارنده ورقه سهم حق عینی بر اموال شرکت ندارد (زیرا اموال متعلق به شخص حقوقی است) اما در عین حال طلبکار شرکت نیز به حساب نمی‌آیند چون سهم معینی از سود را می‌برد و هنگام انحلال شرکت نیز اموال بین آنان تقسیم می‌شود.

حقوق دینی رابطه خاص دو طرف و تابع حکومت اراده است. یکی از منابع مهم حق دینی قرارداد است و بر طبق اصل آزادی قراردادی دو طرف عقد می‌توانند تعهدهای ناشی از آن را به دلخواه معین کنند. حق دینی در ابتدا رابطه بین شخص طلبکار و بدهکار بود و قابل انتقال به دیگران به شمار نمی‌رفت. همین ارتباط نزدیک با شخصیت طرفین یکی از مختصات حق دینی در برابر مالکیت بود و نسبی بودن آن را مشخص می‌ساخت (برخلاف حقوق عینی که قابل استناد در برابر همه است). اما امروزه انتقال طلب و دین نیز پذیرفته شده است.

حقوق دارندگان اوراق بهادار از جهاتی با خصوصیات حق عینی و از جهاتی نیز با حقوق دینی مشابه است و با توجه به طبیعت خاصی که دارند با ساختار هیچ‌یک از این دو حق سازگاری ندارند. این مسأله این سؤال مهم را مطرح می‌سازد که در موارد مشابه که معلوم شود با نهادی اختلاطی از حقوق عینی و دینی مواجهیم، احکام کدامیک از دو حق قابل اعمال است؟ در پاسخ اشاره می‌شود که حق عینی پس از ایجاد قلمرو گسترده‌تری می‌یابد و برای جمع بیشتری ایجاد تکلیف می‌کند و طبیعی است که در مقام تردید باید به قدر متیقن اکتفا نمود اما این امر مربوط به حالتی است که ماهیت حقی مورد تردید قرار گیرد ولی درباره حقوق مختلط به نظر می‌رسد باید دید کدام چهره مورد نزاع چیره است و متناسب با آن حکم قابل اعمال را برگزید. در مورد اوراق بهادار با توجه به موارد پیش گفته، به نظر می‌رسد ماهیت حقوق دارندگان به حقوق عینی مشابه است زیرا سهم معینی از سود را می‌برند و هم هنگام انحلال شرکت اموال بین آنان تقسیم می‌شود و اوراق بهادار را می‌توان به آسانی و گاه تنها به وسیله تسلیم ورقه انتقال داد و

^{۱۰} ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، انتشارات یلدا، چاپ اول تابستان ۱۳۷۴، ص

حقوق صاحبان اینگونه اسناد با حق مالکیت شباهت زیادی پیدا کرده است.^{۱۱}

بخش ۵: بررسی حقوقی معامله فضولی اوراق بهادار

در معامله فضولی شخص فضول بدون داشتن سمت وکالت از طرف غیر، اقدام به ایجاد رابطه حقوقی بین اصیل و غیر می‌نماید.^{۱۲}

در این معاملات، قصد تملیک مال از طرف معامل فضولی ایجاد می‌گردد و اینکه مال چه کسی تملیک شده تأثیر در قصد انشا ندارد، زیرا قصد عبارت از قصد انشاء و رضای طرفین است و در دو صورت مزبور اراده حقیقی و انشایی هم چون مورد اکراه حاصل گردیده و به وسیله پیوست نمودن اجازه مالک یا قائم‌مقام او شرایط اساسی صحت عقد تکمیل و معامله تنفیذ می‌شود.^{۱۳}

در معاملات اوراق بهادار از آنجا که کلیه معاملات توسط کارگزارها انجام می‌گردد معامله فضولی به این صورت متصور است که اگر شخص دستوردهنده که به کارگزار مراجعه و دستور خرید و فروش می‌دهد، مالک نباشد و مأذون از طرف وی نیز نباشد، معامله کارگزار فضولی محسوب می‌شود. هم چنین چنانچه کارگزار بدون وجود هرگونه دستور خرید یا فروش اقدام به معامله در حساب مشتری بنماید معامله فضولی واقع می‌شود و با عدم قبول از سوی مالک، کارگزار در حکم غاصب تلقی می‌گردد.

حقوقدانان در این امر که معامله فضولی قابل اجازه از سوی مالک است هیچ تردیدی ندارند و به طور کلی این قاعده را در تمامی حالاتی که فضول معامله را برای غیرانجام می‌دهد مجری می‌دانند.^{۱۴} در واقع به طور کلی نیاز اجتماعی که سبب طرح نظریه فضولی شده نیز مبتنی بر همین فرض است که وکیلان و عاملان برای حفظ امانت کامل و رعایت مصلحت مالک، گاه از اذن او تجاوز می‌کردند و بر این مبنا که به سود مالک دارایی او را اداره می‌کنند و به ظن قوی رضای او را نیز به همراه دارند، معامله‌ای را انجام می‌دادند که نیابت در آن نداشتند، پس باید راهی باز می‌شد که مالک بتواند با اجازه معامله‌ای که به سود خود می‌بیند، از این احسان بهره‌مند شود. چنانکه اجازه اداره اموال غائبان و محجوران نیز در همین مسیر و برای دفع ضرر از مالک است (ماده ۳۰۶ قانون مدنی).^{۱۵}

^{۱۱} همان، صص ۲۲ و ۲۳.

^{۱۲} حسن امامی، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، مهرماه ۱۳۷۴، ص ۲۹۸.

^{۱۳} همان، ص ۳۰۰.

^{۱۴} البته حقوقدانان در اجرای این قاعده در حالتی که فضول برای خود معامله می‌کند تردید دارند. برای اطلاعات بیشتر، نک: ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲.

^{۱۵} همان.

برخی تصور می‌کنند که معامله فضولی مربوط به گذشته‌های دور بوده که امروزه در موارد بسیار نادر اتفاق می‌افتد اما نهادهای نمایندگی و شرکتهایی که به وکالت از مشتریان خود اقدام می‌کنند نمونه بارز و مبتلابه این نهاد حقوقی‌اند که در رأس آنان کارگزاران بورس هستند. امروزه سرعت مبادلات در بورس به حدی بالاست که حتی سرعت وسایل ارتباطی همچون تلفن، فکس، ایمیل و ... نیز نمی‌تواند پا به پای سرعت معاملات باشد و در موارد متعدد کارگزار با انجام معامله فضولی (بدون وجود دستور خرید یا فروش) اقدام می‌نمایند. البته ممکن است این اقدام فضولی در حساب یک مشتری صرفاً یک اقدام خیرخواهانه برای وی نباشد و یا ناشی از یک اشتباه رخ دهد مثل موردی که کارگزار کد مشتری را اشتباه وارد نماید و ... در حالت مورد اشاره فرض بر این است که کارگزار با نیت دفع ضرر از مالک و یا کسب سود برای وی اقدام به معامله فضولی نموده و رضایت وی را در نظر دارد. چنانچه مالک معامله فضولی کارگزار را تأیید نماید مشکلی پیش نمی‌آید و مسؤلیت مالی نیز متوجه کارگزار نمی‌گردد. در معاملات اوراق بهادار نکته قابل توجه این است که تأیید و قبول معامله اماراتی دارد که با معاملات سایر اموال متفاوت است و باید بر این مهم تأکید نمود که قبول معامله از سوی مالک باید با توجه به شرایط خاص حاکم بر معامله در نظر گرفته شود. برای مثال زمانی که مالک پس از خرید یا فروش سهام به کارگزاری مراجعه و دستور خرید یا فروش برای معامله انجام شده را مکتوب می‌نماید حاکی از این مهم است که وی معامله را پذیرفته است. در مثال دیگر اگر کارگزاری سهام را فضولاً بخرد و شخص بعد از خرید برای پرداخت وجوه و کارمزد وی اقدام نماید و یا اگر نزد کارگزار وجهی داشته و بعد از اینکه کارگزار به طریق مقتضی مشتری را از خرید مطلع نمود، در یک مدت معقول اقدام به مطالبه وجه نماید جملگی دال بر پذیرش معامله است. در مثال دیگر اگر در خرید فضولی پس از خرید، (با این فرض که تا قبل از آن از سهام مورد نظر نداشته است) مالک در جلسات مجامع شرکتی که سهامش را برای وی خریده‌اند شرکت نموده و یا اقداماتی را که عموماً مالکان انجام می‌دهند، انجام دهد حکایت از قبول خرید است. هم چنین به نظر می‌رسد چنانچه شخص پس از خرید فضولی از حق تقدمهای به وجود آمده خرید نماید اماره‌ای بر این امر است که از خرید قبلی رضایت داشته که هم اکنون از حق تقدم آن نیز استفاده می‌کند.^{۱۶} البته می‌توان پیرامون امارات بحث مفصلی داشت اما با مثال زیر این بحث را خاتمه می‌دهیم. در فروش فضولی سهام وقتی قیمت سهام افول داشته باشد عموماً معامله تأیید و قبول می‌شود اما چنانچه پیش‌بینی کارگزار خلاف واقعیت گردد آنگاه احتمال رد معامله بسیار بالا می‌باشد. در چنین شرایطی با فرض بسته شدن نماد ذریبط، وقتی مشتری (مالک) برای دریافت وجه ناشی از سهام مراجعه می‌نماید لزوماً قبول معامله نمی‌باشد در حالی که این امر در معاملات سایر اموال لزوماً قبول و

^{۱۶} در رویه هیأت داور و آرای صادره از این نظر پیروی نشده و لزوماً خرید حق تقدم تأیید معامله اول و قبول آن در نظر گرفته نمی‌شود و در عین حال مشتری امکان ادعا پیرامون معامله اول را دارد.

پذیرش معامله در نظر گرفته می‌شود. زیرا در این حالت به نظر می‌رسد، مالک، دیگر با هیچ راهی مواجه نیست و حداقل اقدامی که می‌تواند انجام دهد دریافت وجه ناشی از فروش است و این اقدام به هیچ‌وجه خللی به حقوق وی مبنی بر حق مطالبه خسارات وارد نمی‌آورد. در رویه هیأت داوری بر اساس ستون خواسته و آرای صادره نیز می‌توان به این مهم پی برد چرا که در اکثر موارد وقتی خواهان دعوی خود را در هیأت داوری بورس مطرح می‌نماید در ستون خواسته وجه ناشی از فروش سهام و خسارات را مطالبه می‌نماید و این مطالبه وجه ناشی از سهامی که فضولتاً فروخته شده به هیچ‌وجه حکایت از تأیید معامله ندارد و بر همین اساس خسارات وارده نیز قابل مطالبه است.

گفتار دوم: مسئولیت کارگزار در خرید و فروش بدون مجوز (معامله فضولی)

خرید و فروش بدون مجوز (فضولی) چنانچه ذکر شد حجم عمده‌ای از دعاوی مطروحه در هیأت داوری را به خود اختصاص داده است. در پرونده‌های مطروحه در هیأت داوری پیرامون معامله فضولی عموماً ستون خواسته دو جزء دارد؛ یک وجه آن ناظر به اصل خواسته است که معمولاً خواهان آن را به طور قطعی تقویم می‌نماید و وجه دیگری که تقریباً در تمام پرونده‌های هیأت داوری در ستون خواسته درج می‌گردد ناظر به خسارات وارده است. در این راستا لازم است به مباحث حقوقی که ناظر بر هر دو وجه باشد بپردازیم:

اولاً: در اختلافات بازار اوراق بهادار، هیأت داوری به چه استدلالی و با تکیه بر کدام یک از قوانین و مقررات حکم به خواسته خواهانها که در اکثر موارد وجوه ناشی از خرید یا فروش فضولی است می‌دهد؟

ثانیاً: در دعاوی که خواسته دعوا ناظر به خسارت است با تکیه بر کدام یک از قواعد مسئولیت مدنی حکم به پرداخت خسارت داده می‌شود؟ و یا اصولاً چه مواردی در تعیین میزان دقیق خسارات مورد حکم مؤثرند؟

در این راستا ابتدا به این مطلب می‌پردازیم که در معاملات فضولی اوراق بهادار به چه استنادی حکم داده می‌شود و سپس پیرامون مسئولیت مدنی و قواعد ناظر به خسارات در رویه هیأت داوری مباحثی طرح خواهیم نمود.

بر طبق قواعد حقوقی چنانچه اصیل یا مالک در حین معامله عالم بر فضولی بودن معامله بوده، چون احتمال رد و قبول آن را از طرف مالک می‌داده، خود اقدام به ضرر نموده و کسی مسئول و ضامن آن نیست اما اگر جاهل باشد غرامات وارده طبق ماده ۲۶۳ قانون مدنی به عهده معامل فضولی است.^{۱۷} در معاملات فضولی اوراق بهادار هر گونه علم بر معامله فضولی با تفویض اختیار

^{۱۷} حسن امامی، حقوق مدنی، جلد اول، ص ۳۱۰.

خرید و فروش ملازمه دارد چرا که از راه دیگری قابل اثبات و ارزیابی نمی‌باشد. این بدین معناست که اثبات حالتی که مالک به معامله علم دارد اما دستوری را برای معامله مکتوب ننموده بسیار مشکل است بنابراین با صراحت می‌توان گفت وجود دستور مکتوب حکایت از علم به معامله دارد و برای اثبات علم به معامله مکفی است. این تفویض اختیار (دستور خرید و فروش) تنها راه برای احراز علم مالک از معامله است و نمی‌توان حالتی را متصور شد که مالک در تالار بورس معامله کارگزار را بر روی سهامی که خود دارد ملاحظه کند و دریابد که این همان سهام وی است که در حال معامله است.

پیرامون رضای باطنی مالک پاره‌ای از نویسندگان نظری تقویت نموده‌اند که بر مبنای آن رضای باطنی مالک کافی است. ولی برخی دیگر اجازه را به عنوان مبنای التزام مالک به معامله ضروری دیده‌اند. ماده ۲۴۷ قانون مدنی نظر اخیر را تأیید کرده است و قید «ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد» برای همین منظور در متن ماده گنجانده شده است (البته باید دقت داشت اعطای ضمنی نیابت با رضای باطنی اشتباه نگردد).^{۱۸}

در اینجا لازم است اشاره شود که با توجه به سیتسم خاصی که در خرید و فروش اوراق بهادار در تالار بورس وجود دارد عملاً به هیچ عنوان امکان ابطال معامله فضولی وجود ندارد و بنا بر این در حالت رد معامله فضولی یا تنفیذ آن از سوی مالک در هر صورت در وضعیت اصیل تغییری ایجاد نمی‌شود و این مالک است که اگر معامله را تنفیذ ننمود باید از وی جبران خسارت شده و مالش به وی باز گردد. در مورد سهمی که فضولتاً فروخته شده باید اذعان نمود که اوراق بهادار هم چون اموالی مثلی است که چنانچه این امکان باشد فضول باید از همان اوراق بهادار برای مالک تهیه و به وی تحویل دهد زیرا اوراق بهادار عین معین نیست. مضافاً بر آنکه عدم امکان باز پس گرفتن سهم معامله شده از اصیل در حکم تلف مال است که با توجه به تلف از امثال آن به مالک تحویل می‌شود. حالت دیگر موردی است که نماد سهم مورد نظر باز نباشد و نتوان آن را معامله کرد و امکان خرید آن برای مالک نباشد. حال در اینجا باید به نحو مقتضی بر طبق قواعد حقوقی از مالک جبران خسارت شود که اعم از مبلغ سهام و سایر خسارات است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

بخش ۱: اصل مبلغ (مبلغ فروش فضولی سهام یا مبلغ خرج شده برای خرید فضولی)

۱- قاعده حقوقی حاکم

در عمده اختلافات بازار سرمایه با خرید و فروشهای بدون مجوز کارگزاریها به نام و حساب مشتریان متوجه می‌شویم که از این لحاظ رد معامله از سوی مالک مطابق قواعد حقوقی نشان

^{۱۸} ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران، انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴.

می‌دهد که تصرف نامشروع است و خریدار هم چون غاصبان دیگر نه تنها مکلف به بازگرداندن مال به صاحب آن است، مسؤول هر نقص و تلفی است که بر عین یا منافع آن وارد آید و مانند موضع حقوقی غاصب در ضمان قهری است.^{۱۹}

باید متذکر گردیم که در اینجا (معاملات بورسی) دسترسی به خریدار/ فروشنده وجود ندارد تا علیه وی طرح دعوا گردد و امکان پس گرفتن/دادن سهام فروخته/ خریداری شده ممکن نیست. بنا بر این احکام غاصب بر کارگزاری که فضولتاً فروش را انجام داده و موجب اضرار گردیده است بار می‌گردد.

در صورت رد خرید فضولی معمولاً اختلاف خاصی وجود ندارد زیرا اگر کارگزاری از وجه خود برای مشتری خرید کرده ضرری متوجه مشتری نیست و کارگزاری می‌تواند با اثبات امر، مجوز فروش سهام را از سازمان بورس گرفته و یا از باب دارا شدن بلاجهت می‌تواند پول سهام یا خود سهام را پس بگیرد. اما اگر سهام را با وجه مشتری خریده باید پس از رد معامله، وجه را به وی باز پس دهد که مبلغ آن مشخص است و نیاز به بحثهای حقوقی برای تعیین مبلغ ندارد مگر در مورد خسارات که مجزا به آن خواهیم پرداخت. بنابر این در مورد فروش فضولی، مالک محق است که سهام فروخته شده خود را مطالبه نماید و مستحق بازگرداندن مالش می‌گردد، اما ممکن است به علت بسته بودن نماد امکان خرید مجدد آن برای مالک وجود نداشته باشد. حال مسأله اینجاست که بر اساس قواعد حقوقی آیا تعهد فضول به پرداخت قیمت سهام (به جای پس دادن خود سهم) تبدیل می‌گردد یا خیر.

الف) احکام غصب

در مورد اینکه چه قیمتی از قیمت‌های سهام (قیمت مال مغضوب) هنگام صدور حکم باید مورد توجه قرار گیرد نظرات ذیل وجود دارد:

- ۱- قیمت زمان غصب (زمان وقوع معامله فضولی)
- ۲- زمان تلف (زمانی که خرید مجدد سهام فروخته شده برای مالک منتفی می‌گردد یا همان آخرین قیمت - ماده قانون مدنی ۳۱۲)
- ۳- بالاترین قیمت از زمان غصب تا تاریخ تلف (از زمان فروش سهام تا آخرین قیمت آن)
- ۴- قیمت یوم الادا (روز پرداخت): به این معنا که عهده غاصب به رد عین در صورت تلف نیز باقی می‌ماند و تبدیل به دادن قیمت نمی‌شود. پس در زمانی که غاصب به دلیل تعذر رد عین، محکوم به دادن قیمت می‌شود باید بهای عین را به نرخ روز بپردازد.
- ۵- بالاترین قیمت از غصب تا یوم الادا: زیرا تنها در این صورت است که تمام ضرر مالک جبران می‌شود.

^{۱۹} همان، ص ۱۳۷.

ب) مبنای محاسبه

در حال حاضر بحث از این است که کدام یک از ملاک‌های فوق‌الذکر مبنای محاسبه قرار گیرد و برای تعیین خسارات وارده چه ملاکی مد نظر قرار گیرد.

- ملاک قیمت زمان غصب مقصود ما را تأمین نمی‌کند زیرا غاصب مسؤولیت تلف و افت قیمت را نیز بر عهده‌دارد. به عبارت دیگر قیمت زمان معامله فضولی کافی نیست زیرا فضول ضامن افت قیمت و کاهش ارزش بازاری سهام نیز می‌باشد. اما باید توجه داشت این ضرر در زمان بعد از مطالبه ورودش محرز است و تا قبل از مطالبه قصد فروش مالک امکان تحقق ندارد و ابراز نگردیده است و نمی‌توان آن را تصور نمود. لذا قیمت زمان معامله کفایت نمی‌کند.

- در مورد زمان تلف (بسته شدن نماد معاملاتی) باید گفت در این زمان سهام قیمتی نداشته و مالک قطعاً ضرر کرده است که با این قاعده جبران نخواهد شد.

- در مورد ملاک سوم (بالاترین قیمت از زمان غصب تا تاریخ تلف) اشاره می‌شود که تا زمانی که نماد بسته نشده (یا همان تلف)، رد عین یا سهام بر عهده غاصب است و نوسان قیمت تأثیری در آن ندارد (البته از باب خسارات قابل بحث است).

- ملاک چهارم و پنجم این لحاظ مورد انتقاد است که «ضمان بر چیزی تعلق می‌گیرد که پرداخت آن ممکن باشد. بعد از تلف عین دیگر نمی‌توان آن را به مالک باز گرداند. پس به ناچار باید قیمت بر ذمه غاصب قرار گیرد، به ویژه که می‌دانیم تنها کلی بر ذمه می‌ماند و اعیان خارجی مشمول این قاعده نیست.

به بیان دیگر، هیچ تکلیفی بر غیرمقدور به وجود نمی‌آید و بعد از تلف عین رد آن نامقدور است و پرداختن قیمت نیز مصداقی از موضوع آن تکلیف نیست، پس ناچار باید ضمان مربوط به رد عین ساقط شود و جای آن را تعهد به دادن قیمت بگیرد.^{۲۰}

بنا به مراتب فوق، از نظر منطقی می‌توان گفت هدف از احکام غصب جبران زیان مالک است و قانون‌گذار برای تضمین حقوق مالک مسؤولیت شدیدتری را برای غاصب مقرر کرده است که حتی در اثر قوه قاهره و دخالت دیگران نیز از بین نمی‌رود.

زمان طبیعی برای توصیف موضوع ضمان غاصب و اینکه او چگونه باید از مالک رفع ضرر نماید، زمانی است که اجرای تکلیف از دادگاه خواسته می‌شود و لحظه‌ای است که دادرس به طور قاطع به آن حکم می‌دهد. در این زمان است که مشخص می‌شود غاصب باید چه مبلغی بابت بدل تعهد اصلی بپردازد و مفاد همین حکم است که به تعهد غاصب صورت عینی و خارجی می‌بخشد.

بنا به مراتب فوق می‌توان اشاره نمود که قیمت باید در زمان صدور حکم در نظر گرفته شود،

^{۲۰} ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۶، ص ۶۷.

اما در معاملات بورسی ممکن است اختلاف قیمت فاحش بوده و از روز صدور حکم تا یوم‌الادا (روز اجرا) شاخص قیمت دستخوش تغییرات بسیاری گردد. لذا منطقی‌تر آن است که در حکم به جای تعیین قیمت، آن را به قیمت یوم‌الادا (نه به این منظور که عهده فضول صرفاً به رد عین باقی مانده است بلکه به عنوان بدل تعهد اصلی) ذکر نماییم.

ج) جبران ضرر در صورت افت قیمت سهام - قاعده حقوقی

تنها اشکالی که باقی می‌ماند این است که هرگاه بهای مال مغضوب (مال مورد معامله فضولی) از زمان غصب پایین‌تر آید چگونه می‌توان ضرر را جبران کرد؟

در پاسخ باید گفت، جبران این ضرر بر مبنای تسبیب باید انجام شود نه غصب، و اگر ورود ضرر ناشی از تعدی غاصب است باید به مالک داده شود.^{۲۱}

در معاملات فضولی اوراق بهادار کاهش قیمت سهام و عدم امکان فروش به قیمت بالاتر ضرر بلافضلی است که از اقدام فضول ناشی می‌گردد و باید این افت قیمت جبران گردد. این خسارت به هیچ عنوان عدم‌النفع نمی‌باشد، چرا که عدم‌النفع یک ضرر احتمالی را شامل می‌شود اما در مورد سهام این اضافه ارزش در گذشته قطعاً اتفاق افتاده و منفعتی از خواهان دفع شده است.

نکته مهم دیگر در اختلافات بورسی فاکتور^{۲۲} روز مطالبه است. این زمان یعنی روز مطالبه در مورد پرونده‌های فروش فضولی حاوی بار معنایی است که در تصمیم‌گیری پیرامون مبلغ سهام مؤثر است.

از زمانی که مالک سهام فروخته شده را مطالبه می‌کند تصور این امر که قصد فروش سهامش را داشته است ممکن می‌شود و تا قبل از زمان مطالبه، قصد فروش سهام منتفی بوده و لذا هر چه که قیمت بالا رفته باشد مورد محاسبه خسارت قرار نمی‌گیرد زیرا ضرر قطعی و مسلمی از بابت افزایش قیمت سهام به خواهان وارد نشده است. این ضرر احتمالی است و در مسئولیت مدنی، مسلم بودن ضرر شرط است. اگرچه این اضافه ارزش قطعاً اتفاق افتاده است اما عدم مراجعه و مطالبه خواهان حاکی از عدم قصد وی برای فروش سهام است. بنا بر این در هنگام صدور حکم جهت خسارات این نکته در نظر هیأت داوری لحاظ گردیده و در محاسبه خسارت تمامی خسارات ناشی از نوسانات قیمت از زمان مطالبه مالک ملاک قرار می‌گیرد.

بخش ۲: پرداخت خسارات

معمولاً معاملات فضولی واقع شده توسط کارگزار، زمانی با طرح دعوا مواجه می‌گردد که قیمت سهام دچار نوسان شده و ضرری متوجه اصیل گردیده باشد. این خسارات عمدتاً ناشی از افت قیمت سهام خریداری شده و افزایش قیمت سهام فروخته شده است. البته خسارات مورد بحث

^{۲۱} همان، ص ۶۹.

^{۲۲} منظور از فاکتور، عامل تأثیرگذار در محاسبه خسارت است.

ممکن است ناشی از عدم تعلق سودهای تقسیم شده، خسارت تأخیر تأدیه و ... باشد. بنابراین در عمده این دعاوی، در ستون خواسته خسارات مطالبه می‌شود و از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار است.

بخش ۳: رویه هیأت داوری در حکم به خسارات

در اختلافات مربوط به فعالان بازار سرمایه که عموماً بین اشخاص سرمایه‌گذار (حقیقی یا حقوقی) با کارگزاریها و یا سایر نهادها بروز می‌نماید باید دید رویه به چه صورت است و هیأت داوری در آرای صادره از کدام یک از نظریات پیروی نموده است. مطابق مفاد ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر این که محرز شود تمام احتیاطهایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده و یا این که اگر احتیاطهای مزبور را به عمل می‌آورند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.»

در اکثر قضایای مطروحه در هیأت داوری ملاحظه می‌شود که کارکنان کارگزاریها عمدتاً تقصیر محرز در ایجاد سبب اختلاف و بروز خسارت دارند و حتی در مواردی تحت تعقیب کیفری نیز قرار می‌گیرند. طبق مفاد ماده ۱۲ و رویه هیأت در این موارد حکم به مسئولیت کارگزاری و لزوم جبران خسارت از زیان‌دیده توسط کارگزاری داده می‌شود اما با توجه به قسمت اخیر ماده ۱۲ قانون مذکور کارگزاری (محکوم‌علیه) حق مراجعه و مطالبه خسارات پرداختی را از واردکننده و مسبب اصلی خسارت خواهد داشت. نکته قابل بحث این است که اگرچه تقصیر کارکنان محرز و آشکار است اما لزوماً به معنای عدم تقصیر کارگزاری نیست. با توجه به اینکه کارگزاریها و یا سایر نهادهای بازار سرمایه وظیفه کنترل و اعمال نظارت بر کارمندان و کارکنان خود را دارند حتی در مواقعی که تقصیر کارمند محرز است خود کارگزاری از این باب مسئول می‌باشد. چنانچه کارگزار تقصیری نداشته باشد و تقصیر کارمند نیز قطعی و محرز باشد از این جهت که کارگزار نظارت و مراقبت کافی را اعمال ننموده است مطابق رویه هیأت مسئول جبران خسارت است اما مشاهده می‌گردد که متن ماده به گونه‌ای انشا شده که کارفرما اگر بتواند اثبات کند تقصیر نداشته مسئول نیست. به نظر می‌رسد متن ماده با نظریه تقصیر مطابقت دارد فقط بار اثبات دلیل جابه‌جا شده و اصل را بر تقصیر کارفرما قرار داده و وی باید خلاف آن را اثبات نماید. اما رویه هیأت داوری در آرای صادره با عنایت به مطالب مطروحه بیشتر با نظریه نفع همخوانی دارد.^{۲۳}

^{۲۳} برای نمونه یکی از آرای صادره را در ذیل آورده‌ام:

گردش کار: خواهان آقای (ف) ابتدا دادخواستی به طرفیت ۱- شرکت کارگزاری (ک) با مدیریت عامل آقای (ک) ۲- خانم (ط) به خواسته مطالبه مبلغ سیصد و بیست میلیون ریال با احتساب هزینه دادرسی و

تأخیر تأدیه به محاکم حقوقی تهران تقدیم داشته پرونده جهت رسیدگی به شعبه بیستم دادگاه عمومی تهران ارجاع گردید. خواهان به شرح دادخواست تقدیمی مدعی است خوانده به استناد برگ پرینت فروش سهم مبلغ خواسته را به مشارالیه بدهکار است با مراجعات مکرر از تأدیه دین استنکاف نمود. به شرح خواسته تقاضای صدور حکم نموده نامبرده به ضمیمه دادخواست تعدادی اوراق پرینت و تعدادی اوراق درخواست فروش و نامه مربوط به خود به عنوان مدیریت بازرسی و نظارت بر حسن انجام معاملات پیوست کرده است. طرفین برای مورخ ۸۴/۵/۱۲ جهت رسیدگی دعوت شده‌اند. شرکت کارگزاری (ک) آقای (ن) را به وکالت معرفی کرده است. در جلسه رسیدگی شعبه ۲۰ دادگاه عمومی تهران خواهان به خلاصه اظهار داشته بنده مبالغی به شرکت (ک) توسط خانم (ط) کارمند امور مالی شرکت پرداخت کرده‌ام و هیچ پولی به شخص خود خانم (ط) پرداخت نکرده‌ام از طرف شرکت پرینت حساب تفصیلی شرکت داده شده و با جعل امضای اینجانب کلیه سهام را فروخته است. شعبه مرقوم در خصوص دعوی مطروحه مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی رسیدگی در هیأت داوری بورس اوراق بهادار نموده و پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال داشته شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۳۴/۳۶۰-۸۴/۷/۳۰ قرار عدم صلاحیت صادره را تأیید و پرونده به هیأت داوری بورس ارسال شد. پس از وصول پرونده به هیأت داوری سازمان بورس و اوراق بهادار بر اساس ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار مصوب سال ۸۴ پرونده به کمیته سازش ارسال گردید. کمیته حل اختلاف جهت حصول سازش بین طرفین جلساتی تشکیل داد که به لحاظ عدم سازش پرونده به هیأت داوری ارسال شد. خواهان نظریه آقای (ف) کارشناس رسمی قوه قضاییه در رشته حسابداری و حسابرسی که به عنوان دایدار شعبه هشتم دادرسی ناحیه ۱۲ تهران مرقوم داشته و شرح آن شرکت کارگزاری (ک) را به مبلغ ۳۵۵/۸۸۶/۹۷۳ ریال بدهکار آقای (ف) دانسته و برابر نظریه تکمیلی کارشناسی جمع مبلغ بدهی شرکت خوانده را مبلغ ۷۲۵/۸۸۶/۹۷۳ ریال اعلام کرده ضمیمه نموده است. نامبرده بر این اساس ضمن صورت‌مجلس مورخ ۸۶/۱/۲۹ اشعار داشته مطالب در لایحه مورخ ۸۵/۱۱/۱۴ که به شماره ۱۳۱/۴۱۰-۸۵/۱۱/۱۵ ثبت شده می‌باشد عیناً خواسته خود را به مبلغ هفتاد و دو میلیون و پانصد و هشتاد و هشت هزار و نهصد و نود و هفت تومان افزایش داده خواننده در هیأت داوری بورس اوراق بهادار آقای (د) را به وکالت معرفی کرده است. خواهان ضمن صورت‌جلسه مذکور بالصراحه اعلام داشته در مورد خانم (ط) ادعایی ندارد و وجهی از ایشان مطالبه نمی‌کند. در جلسه مورد بحث به لحاظ این که وکیل خواننده در مقام دفاع اظهار داشته مدارک و مستنداتش دارد یک هفته به نامبرده مهلت داده شده مدارک خود را ارائه نماید. وکیل خواننده در خصوص ارائه مدارک خود مطالبی در مورد چک شماره ۳۷۱۵۹۳-۸۲/۵/۱۵ مبلغ سیصد میلیون ریال بیان داشتند. هیأت تصمیم گرفته از شعبه ۱۰۰۳ مجتمع قضایی ولیعصر نتیجه استعلام گردد که با ارائه دادنامه‌هایی سرانجام در تاریخ ۸۷/۱/۲۸ هیأت با توجه به اظهار نظر کارشناسی در خصوص میزان خواسته مبلغ ۷۲۵/۸۸۶/۹۷۳ ریال موضوع دعوا به دو نفر کارشناس دیگر با اسامی آقایان (ش) و (ر) ارجاع داد. دو نفر کارشناس منتخب به شرح نظریه شماره ۸۷/۵/۲۱-۸۷/۱ پس از ملاحظه دارک طرفین نتیجتاً مبلغ مورد ادعای طلب خواهان را از نظر خود مبلغ ۳۴۷/۴۵۱/۴۵۱ ریال اعلام داشته‌اند. لازم به ذکر است آقایان (ش) و (ر) در شش صفحه و با بررسی اسناد و مدارک ارائه شده توسط آقای (ف) و صدور گزارش تفصیلی حساب مشتریان شرکت کارگزاری (ک) و سایر مدارک مربوطه نظریه خود را اعلام کرده‌اند. نظریه مذکور به شماره ۱۳۱/۱۳۵۵-۸۷/۵/۲۳ بایگانی هیأت داوری به ثبت رسیده است (صص ۱۹۲ الی ۱۹۸) نظریه کارشناسان به طرفین ابلاغ گردید. نظر به اینکه طرفین نسبت به نظریه کارشناسان (دو نفر) اعتراض نموده‌اند سه نفر کارشناس دیگر به اسامی آقایان (ح) و (ش) و (آ) به

کارشناسی انتخاب که مجدداً با مطالعه پرونده و مستندات ابرازی نظریه خود را در باب مطالبات خواهان آقای (ف) به هیأت ارائه نمایند. نظر به اینکه احد از کارشناسان به نام آقای یوسف آقا بیگ لواسانی به جهت آنکه پروانه کارشناسی وی تمدید نگردیده از انجام کارشناسی عذر خواسته است کارشناس دیگری به نام آقای (ج) به عنوان کارشناس انتخاب گردید سرانجام هیأت سه نفری کارشناسان جدید به اسامی آقایان (ج) و (ح) و (ش) طی ۲۲ برگ لایحه ارسالی ادعای خواهان را در ۳ بند به شرح آتی گزارش داده- اند: در بند یک خالص طلب خواهان را معادل ۴۴/۴۶۸/۷۶۶ ریال تعیین نموده‌اند. در بند ۲ ادعای خواهان را در قبال سایر ادله کافی تشخیص نداده و قابل پذیرش ندانسته‌اند. در بند ۳ نتایج بررسیهای انجام شده را به جهت آنکه بین ادله در دسترس تعارضاتی وجود داشته و ابهامات موجود در محدوده رسیدگیهای انجام شده امکان اظهار نظر صریح در مورد ادعا را میسر ندانسته و اضافه کرده‌اند در بند ۳ این گزارش شامل رد یابی منشأ صدور چکها و استماع اظهارات مرتبطان موضوع به طرق قضایی محدودیتهای رسیدگی قابل رفع است نظریه مذکور به شماره ۱۳۱/۱۶۲۴-۸۷/۱/۲۱ هیأت داورى ثبت گردیده نظریه کارشناسان مذکور به طرفین ابلاغ گردیده چون آقای (و) با ارائه یک برگ وکالتنامه خود را به وکالت از شرکت (ک) سهم معرفی نمود گزارش هیأت سه نفری کارشناسان به مشار الیه ابلاغ شد. آقای (ف) با ارسال لایحه ثبت شده به شماره ۱۳۱/۱۶۳۲-۸۷/۱/۳۰ خواستار دعوت از کارشناسان در جهت رفع ابهام و اخذ توضیح تکمیلی در خصوص نظریه ابرازی گردید. هیأت دستور تعیین وقت برای اخذ توضیح از کارشناسان صادر ضمناً طرفین نیز برای وقت مقرر جهت استماع توضیحات هیأت سه نفری کارشناسان دعوت شده‌اند. احد از وکلای خواننده به نام آقای (د) مراتب استعغای خود را اعلام و تقاضا نموده وقت به شرکت (ک) و وکیل جدید خواننده ابلاغ شود. در جلسه مورخ ۸۸/۲/۱۶ که برای اخذ توضیح از هیأت سه نفره کارشناسان تعیین گردیده بود کارشناسان من حیث المجموع فقدان نظم و انضباط مالی در کارگزاری را محرز دانسته و صد در صد عدم وجود کنترل داخلی زمینه تخلف در کارگزاری را مهیا اعلام کرده‌اند و اضافه کرده‌اند محرز است که کنترل روی پرسنل وجود نداشته و هر کاری می‌توانستند انجام دهند و مباشرت برخی پرسنل نیز مثل (ط) و (ق) مشهود است اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری برابر نامه شماره ت/۳۲-۸۷/۱۱/۲۶ حسب آگهی تصمیمات شرکت کارگزاری (ک) به موجب صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۸۷/۷/۱۶ نام شرکت به کارگزاری (ص) سهامی خاص تغییر یافته آقای (و) وکیل مدافع شرکت کارگزاری (ص) طی لایحه دفاعیه شماره ۱۳۱/۱۸۳۷-۸۸/۳/۱۳ به خلاصه اشعار داشته نظریه آقای حسین فیاض پور که در پرونده کیفری کارشناس تعیین شده کاملاً غیر واقعی است و خواهان بر اساس آن خواسته خود را در هیأت داورى افزایش داده و دعوت از مشارالیه را نقض غرض دانسته و استدعا کرده نظریه هیأت سه نفره کارشناسان که طی گزارش مورخ ۸۷/۱۱/۱۶ به هیأت داورى پاسخ داده‌اند ملاک اعتبار قرار گیرد. در جلسه مورخ ۸۸/۳/۲۰ آقای فیاض پور در پاسخ به این سؤال که نحوه حسابرسی شما که منتهی به رقم ۷۲۵/۸۸۶/۹۷۳ ریال گردیده چیست به خلاصه اظهار داشته بر اساس اسناد و مدارک شرکت (ک) و استعلاماتی که از بانک به عمل آمده و مدارکی که از آقای (ف) گرفته می‌باشد نظریه اولیه را ابراز و در گزارش قید کردم که اگر اسناد و مدارک جدیدی ارائه شود که این مدارک ممکن است عدد و رقم تغییر کند قابل رسیدگی است و اضافه کرده من فقط مدارک مربوط به (ف) مربوط به سال ۱۳۸۲ و اسناد ۱۳۸۳ را دیده‌ام نهایت آنکه آقای (ف) به مندرجات پرونده کیفری کلاسه ۱۷۷۷/ت/۳۸/۸۷ استناد نموده که از وی خواسته شده ظرف مدت یک ماه نتیجه را اعلام نماید. مراتب در تاریخ ۸۸/۴/۲۴ به مشارالیه ابلاغ گردیده

که حسب گواهی دبیرخانه نتیجه را با انقضای موعده اعلام نکرده و آقای (و) وکیل خواننده و نیز شخص خواهان مجدداً لوائی را ارسال داشته اند که ضمیمه است. هیأت داوری بازار اوراق بهادار با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید رأی هیأت داوری بازار اوراق بهادار خواسته خواهان ابتدا مطالبه مبلغ سیصد و بیست میلیون ریال با احتساب هزینه دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه بطرفیت شرکت کارگزاری (ک) با مدیریت آقای (ک) و خانم (ط) می‌باشد نامبرده بعد از تأیید صلاحیت رسیدگی هیأت داوری به موجب دادنامه صادره از شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور در جلسه مورخ ۸۶/۱/۲۹ هیأت داوری خواسته را به مبلغ هفتاد و دو میلیون و پانصد و هشتاد و هشت هزار و ششصد و نود و هفت تومان افزایش داد. به لحاظ آنکه کمیته حل اختلاف، عدم سازش فی‌مابین طرفین را گواهی کرده، پرونده در هیأت داوری مطرح، رسیدگی واقع شده، نظر به اینکه افزایش خواسته به استناد نظریه آقای (ف) و نظریه تکمیلی مشارالیه بوده موضوع به دو نفر کارشناس خبره حسابداری با اسامی آقایان (ش) و (ز) ارجاع گردیده، دو نفر کارشناس اخیرالذکر با بررسی اسناد و مدارک ارائه شده مبلغ مورد ادعای طلب خواهان را مبلغ ۳۴۷/۴۵۱/۴۵۱ محرز دانسته چون طرفین به نظریه کارشناسان اعتراض نموده- اند نتیجتاً سه نفر کارشناس به اسامی آقایان (ج) و (ح) و (ش) انتخاب و سه نفر کارشناسان مذکور ادعای خواهان را در سه بند گزارش داده‌اند در بند یک، خالص طلب خواهان را معادل مبلغ ۴۴/۴۶۸/۶۶۶ ریال تعیین و در بند ۲ ادعای خواهان را در مقابل سایر ادله کافی تشخیص نداده و قابل پذیرش ندانسته‌اند در بند ۳ نتیجه بررسیهای انجام شده را به جهت آنکه بین ادله در دسترس تعارض وجود داشته و ابهامات موجود را در محدوده رسیدگیهای قضایی دانسته و امکان اظهار نظر صریح در مورد ادعا میسر ندانسته‌اند مشارالیه در مقام توضیح نظریه خود من حیث المجموع فقدان نظم و انضباط مالی در کارگزاری را محرز اعلام کرده‌اند. آقای (ف) کارشناس منتخب در مرجع قضایی در مقام توضیح نظریه خود اظهار داشته بر اساس اسناد و مدارک شرکت (ک) و استعلاماتی که از بانک به عمل آمده و مدارکی که آقای (ف) ارائه کرده، ابراز داشته بنا به مراتب هیأت داوری اولاً راجع به دعوای خواهان به طرفیت خانم (ط) به خواسته مبلغ خواسته با عنایت به اینکه خواهان در جلسه مورخ ۸۶/۱/۲۹ بالصراحه اعلام داشته در مورد خانم (ط) ادعایی ندارد و وجهی از ایشان مطالبه نمی‌کند مستنداً به ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار رد دعوای خواهان نسبت به خواننده ردیف دوم را صادر و اعلام می‌نماید. ثانیاً در مورد دعوای خواهان به طرفیت شرکت کارگزاری (ک) که بعداً با اعلام اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری به شرکت کارگزاری (ص) تغییر یافته با توجه به محتویات پرونده و ملاحظه مدارک ابرازی و دادنامه‌های صادره از مرجع قضایی با رد نظریه هیأت سه نفری کارشناسان به اسامی آقایان (ج) و (ح) و (ش)، به لحاظ آنکه در قسمت نتیجه‌گیری از اظهار نظر خود ابهاماتی را عنوان کرده‌اند و در جلسه مورخ ۸۸/۲/۱۶ که برای اخذ توضیح در خصوص نظریه مشارالیه تشکیل گردیده بود نامبردگان فقدان نظم و انضباط مالی در کارگزاری را محرز و نتیجتاً از رفع ابهام در مورد کل طلب خواهان خودداری کرده‌اند لذا با عنایت به نظریه آقایان (ش)، (ر)، کارشناسان حسابداری و نظریه اولیه آقای (ف)، استحقاق خواهان به نام آقای (ف) را در مطالبه مبلغ ۳۴۷/۴۵۱/۴۵۱ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ده میلیون ریال بابت هزینه دادرسی و مبلغ ۸۳۷۶۵۱۱ ریال بابت هزینه کارشناسی را محرز دانسته و خواننده را به پرداخت مبالغ مذکور در حق آقای (ف) محکوم می‌نماید. ثالثاً راجع به خواسته دیگر خواهان دائر به مطالبه خسارت تأخیر تأدیه با توجه به خواسته دعوا مورد مشمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی تشخیص نگردیده به رد دعوا در این قسمت حکم صادر و اعلام می‌گردد ضمناً دعوای خواهان نسبت به مازاد از مورد حکم به علت فقد دلیل کافی محکوم برد است. رأی

بخش ۴: مواردی که در احکام هیأت داورى برای صدور رأی پیرامون خسارات به طور ضمنی مورد توجه است:

۱- جنبه اخلاقی رفتار مدعی علیه

یکی از عوامل در مسؤولیت مدنی جنبه اخلاقی مدعی علیه است و یا عبارت دیگر تقصیر اخلاقی یا سرزنشی که از نظر جامعه به اعمال، انگیزه‌ها، و وضع دماغی علیه نسبت داده می‌شود از عوامل مزبور به شمار می‌آید. از نظر حقوقی تقصیر بر اساس یک معیار ایده‌آلی از رفتاری که ممکن است مافوق صلاحیت و دانش فرد باشد ولی در جامعه معمول و طبیعی است استوار می‌باشد و از این نظر هدف اخلاقی نیز مورد توجه نیست و ممکن است حتی با وجود نیت پسندیده در اشتباهات ناصواب مسؤولیت محقق گردد. کسی که به زمین دیگری با حسن نیت و به این اعتقاد که متعلق به خودش می‌باشد تجاوز نماید و یا این که اموال مسروقه را بدون علم به مسروقه بودن خریداری کند و یا نوشته‌ای را که توهین‌آمیز و متضمن مطالب تهمت زننده و افتراء‌آمیز نسبت به دیگری است بدون سوء نیت منتشر می‌سازد با وجود عدم تقصیر اخلاقی مسؤول شناخته می‌شود زیرا رفتارش با وجودی که از نظر اخلاقی ناپسند نیست از جهت اجتماعی به اندازه‌ای ضدا اجتماعی و بر خلاف مصالح جامعه است که قانوناً ملزم به جبران خسارت وارده می‌باشد. ما همواره شاهد تمایل زیاد دادگاهها به این مسأله بوده‌ایم که سعی داشته‌اند برای «مسؤولیت محض» شرطی حتی قانون لازم بدانند تا آن را از تقصیر اخلاقی متمایز و مشخص سازد و همینطور تمایل داشته‌اند بپذیرند که حقوق بدو به این مسأله توجه داشته و از این رو حتی در صورت فقدان تقصیر قائل به جبران خسارت بوده‌اند.

اما در آرای هیأت داورى در موارد متعدد عدم سوء نیت (حسن نیت) کارگزار از موجبات کاهش مسؤولیت تلقی گردیده است و این امر اگر چه به طور مدون در حقوق کشور ما جایگاهی ندارد اما عمدتاً در آرای صادره از هیأت داورى یکی از موجبات تقلیل مسؤولیت در نظر گرفته می‌شود که با توجه به تخصصی بودن رسیدگی در این مرجع و اهمیت حفظ ثبات بازار سرمایه و امکان اصلاح کاستیها و موانع موجود در سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه منطقی می‌نماید.^{۲۴}

هیأت داورى قطعی و در قسمت محکومیت خوانده به پرداخت وجوه مورد حکم از طریق دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک قابل اجراست.

کامران رشیدی	دکتر شاپور محمدی	حسین انتظاری
عضو هیأت داورى	عضو هیأت داورى	قاضی هیأت داورى

^{۲۴} در تحلیل رأی پرونده ۸۶/ب۹/۴۰ در مقاله «تحلیل حقوقی چند رأی از آرای هیأت داورى»، محدثه فریدون، نشریه قضاوت، ش ۵۹، ص ۴۵ آمده است: «در مورد رأی صادره و تایید آن باید به رد پای اصل عدالت و انصاف نیز توجه نمود، چرا که کارگزاری خوانده صرفاً به دستور کارگزاری دیگری، بدون ارتباط با خواهان، اقدام به خرید و سپس فروش سهام نموده است (با توجه به اینکه فعالیت کارگزاری دیگر برای مدتی متوقف بوده است). می‌توان گفت اولاً با توجه به اینکه کارگزاری نسبت به طرف دعوا قوی‌تر بوده و

«به نوعی می‌توان اذعان داشت در پرونده‌های بررسی به رغم سایر موارد حقوقی، عدم سوءنیت کارگزاری مورد توجه قرار می‌گیرد (یا وجود حسن نیت - اهمیت بحث انگیزه). در قضیه‌ای که در پاورقی ذیل آورده‌ام اگرچه طبق قواعد غصب کلیه منافع متعلقه مال مالک است اما به جای آنکه خسارت از ابتدای فروش سهام مورد حکم قرار گیرد، از زمان مراجعه به کارگزاری محاسبه گردیده است که این به علت آن است که کارگزاری که معامله فضولی را انجام داده سوءنیت نداشته است.»

۲- سهولت اجرا

هیچ سیستم قضایی قادر به جبران کلیه ضررهای ناشی از خطاهای انسانی نیست. مشکلات اجرایی از عواملی است که در تکامل مسائل حقوقی جدید دارای اهمیت بسیار است و زمانی که دادگاهها روش قابل اجرا و مطمئنی پیدا کنند تا در مواردی که مدعی مستحق جبران خسارت کامل است و یا این که پذیرش دعوا از لحاظ نظم عمومی قابل توجیه است، آن روشها را به کار گیرند، چنین اشکالاتی مغلوب شده و از بین خواهد رفت.

این امر در دعاوی مطروحه در هیأت داوری به این صورت بروز می‌نماید که در مواردی صدور حکم به تعداد معینی از سهام موضوع دعوا، با متن خواسته مطابق است و با اصول و قواعد حقوقی نیز همخوانی دارد، اما در سهولت اجرای آن تردید است بدین جهت که ممکن است نماد مربوط به سهام ذریبط بسته شده و امکان خرید سهام مورد حکم توسط محکوم لیه برای محکوم له وجود نداشته باشد و یا قیمت سهام آن قدر نوسان داشته باشد که امکان اجرا را تقریباً غیرممکن نماید. در مورد بسته بودن نماد به کمک قواعد حقوقی موجود می‌توان اینطور استدلال نمود که با توجه به بسته شدن نماد سهام موضوع خواسته، احکام تلف مال بر آن بار می‌شود و باید به جای حکم به خود سهام به قیمت روز آن حکم داد. در سایر موارد چنانچه خواسته «سهام» باشد، اگرچه نوسان قیمت در اجرای آن مؤثر است اما چون مثل آن در بازار موجود و قابل معامله است نمی‌توان حکم به قیمت داد مگر آنکه ستون خواسته به نحو دیگری تنظیم شده باشد. البته در موارد متعددی با صلح طرفین در این موارد می‌توان موانع اجرایی را تقلیل داد.

۳- قابلیت تحمل خسارت

عامل دیگری که دادگاهها در موازنه منافع به آن توجه می‌کنند مسأله قابلیت طرفین در تحمل خسارت است. اگر چه گاهی اوقات بعضی از قضات میل دارند به فقیر در مقابل ثروتمند بذل نمایند اما به طور کلی موضوع صلاحیت و قابلیت طرفین در تحمل خسارت ارتباطی با ثروت و فقر ندارد. خوانندگان دعاوی مربوط به مسئولیت مدنی به در موارد زیادی عبارتند از: مؤسسات

ثانیاً امکان مراجعه به کارگزاری دستوردهنده را دارد، هیأت محترم داوری با صدور رأی به نفع خواهان، حکم صادره را با اصل عدالت و انصاف نیز همخوانی داده است.

عام‌المنفعه - شرکتهای صنعتی - مؤسسات تجارتي - مالکین اتومبیلها و اشخاص دیگری که از طریق پرداخت عوارض، مالیاتها و یا از طریق بیمه قابلیت دریافت کمک را در مقابل خسارات و خطرات غیرقابل اجتناب در یک نظام حقوقی پیچیده دارند. دادگاهها به جای این که خسارات را بر خواهان تحمیل کنند میل دارند دلائلی به دست آورند که به استناد آن خسارت را بر دوش خواندگان بار نمایند و به احتمال زیاد افزایش مسائل مربوط به مسؤولیت مدنی در سالیان اخیر عامل پیدایش چنین طرز تفکری بوده است. پیدایش نظریه «مسؤولیت محض» یا «مسؤولیت بدون تقصیر» در شرایط و فعالیتهای خطرناک به مقدار زیادی بر این اساس استوار بوده و بر این پایه مسؤولیت سازنده کالا در مقابل آخرین مصرف‌کننده از نظر قابلیت تحمل خسارت مورد حمایت قرار گرفته است.

یکی از عواملی که هیأت داورى را در مسؤول شناختن کارگزاریها در مقابل سرمایه‌گذاران بر اساس نظریه نفع توجیه می‌نماید همین امر است که قابلیت تحمل خسارت برای نهادها و کارگزاریها بیشتر از اشخاص سرمایه‌گذار مخصوصاً اشخاص حقیقی است. یک شرکت کارگزاری در اکثر موارد به راحتی می‌تواند خسارتهای وارده به یک سرمایه‌گذار را از درآمدهای خویش جبران نماید اما خسارتهای شخص حقیقی سرمایه‌گذار که عموماً دارایی و اندوخته‌های خود را در بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری می‌نمایند، بر ایشان غیرقابل تحمل و سنگین می‌نماید. بر همین اساس در رویه هیأت داورى ملاحظه می‌شود که در اکثر موارد تلاش می‌شود خسارات اشخاص حقیقی بدون جبران رها نگردد تا هم قابلیت تحمل خسارت در نظر گرفته شود و هم ثبات بازار سرمایه حفظ و اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به آن سلب نگردد لذا مشاهده می‌شود که بسیاری از آرای صادره از هیأت محترم داورى به محکومیت خواندگان که عموماً شرکتهای کارگزاری‌اند اختصاص دارد.^{۲۵}

۴- عامل جلوگیری‌کننده از ورود خسارت در آینده

این امر در مسائل مربوط به مسؤولیت مدنی نیز دارای اهمیت زیادی است و به همین لحاظ هیأت داورى تنها به جبران خسارت زیان‌دیده توجه ندارد و تنبیه و بیداری خطا کار(کارگزار مسؤول) نیز مورد نظر آنها می‌باشد. وقتی که نتیجه تصمیمات معلوم شد و مدعی‌علیه متوجه شد که ممکن است مسؤول شناخته شود همین احساس مسؤولیت خود محرکی قوی در جلوگیری از ورود خسارت در آینده خواهد بود. در اکثر آرای هیأت داورى این امر که حکم صادره از بروز مسائل و اختلافاتی مشابه جلوگیری نماید، مدنظر بوده و تمامی اهتمام این مرجع مخصوصاً با انتشار مکرر آرای خود ایجاد بازدارندگی یا همان پیش‌گیری است که در نهایت به ثبات بازار سرمایه و کاهش اختلافات منجر می‌گردد.

^{۲۵} رجوع کنید به: روزنامه دنیای اقتصاد، سه شنبه ۸۹/۱/۱۷، ص ۹، تیر خیر: «افزایش پرونده‌های وارده به هیأت داورى بازار اوراق بهادار» (گزارش آماری ارائه شده توسط مسؤول دبیرخانه هیأت داورى).

نظریه جلوگیری از ورود خسارت در آینده نظیر مجازات مجرم است. به خاطر جرمی که مرتکب شده و در مورد مجازات یکی از اهداف و مقاصد جلوگیری از تکرار جرم می‌باشد. از آنجا که ورود سرمایه‌گذار به حوزه فعالیتی معین با ارزیابی اولیه از این مسأله صورت می‌گیرد که آیا نظام دادرسی مطمئن و عادلانه‌ای برای موارد اختلافی وجود دارد یا نه^{۲۶}، باید به امنیت بازار سرمایه توجه خاصی مبذول داشت که این مهم جز با وجود یک نظام دادرسی سریع، قاطع و متخصص صورت نمی‌پذیرد. چرا که وقتی افراد خود را با چنین مرجعی مواجه ببینند از هرگونه اقدام زیانبار در این حوزه پیش‌گیری می‌نمایند و از این جهت است که مرجع تخصصی و مهمی چون هیأت داورى می‌تواند در امنیت بازار سرمایه و جذب سرمایه به آن مؤثر باشد.

فهرست منابع و مآخذ

- سوادکوهی‌فر، سام، هیأت داورى بازار اوراق بهادار، تهران، نشر شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۸.
- میرزایی‌منفرد، غلامعلی، سازکارهای حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه ایران، انتشارات شرکت اطلاع‌رسانی بورس، تابستان ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، انتشارات یلدا، چاپ اول تابستان ۱۳۷۴.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات کتابفروشی اسلامی، مهرماه ۱۳۷۴.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران، انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
- داراب‌پور، مهرباب، مسئولیتهای خارج از قرارداد (حقوق مدنی ۴)، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- فهیمی، حسین، «هیأت داورى؛ مرجع حل و فصل عادلانه اختلافات در بازار سرمایه»، ماهنامه بورس، تیر و مرداد ۱۳۸۸، شماره ۸۴.
- روزنامه دنیای اقتصاد، سه شنبه ۱۷/۱/۸۹، صفحه ۹، تیتیر خبر: «افزایش پرونده‌های وارده به هیأت داورى بازار اوراق بهادار» (گزارش آماری ارائه شده توسط مسئول دبیرخانه هیأت داورى).
- فریدون، محدثه، «تحلیل حقوقی چند رأی از آرای هیأت داورى»، نشریه قضاوت، شماره ۵۹.

^{۲۶} حسین فهیمی، «هیأت داورى؛ مرجع حل و فصل عادلانه اختلافات در بازار سرمایه»، ماهنامه بورس، تیر و مرداد ۱۳۸۸، ش ۸۴، ص ۲۱.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. IX, No. 1

2010-1

Articles

Claim Description in the Law and Judicial Practice • Fundamental Principles of UNCITRAL Electronic Communications Convention • Social Security Components in Criminal Laws • Recognition in International Law: Legal Effects of Recognition of Kosovo, South Ossetia and Abkhazia • Principles of Conflict of Evidences • The Effects of the International Criminal Law in the Middle-East; from the Saddam's Trial to the Hariri's Accused Prosecution

Special Issue: The Stock Exchange (Some Considerations on the Law of Iran and other Countries)

Fundamentals of Obligation for Providing Information to Stock Exchange • Comparative Study of Prohibitions of Insider in Securities Dealing in E.U., English, French and Iranian Laws • Some Considerations on the Offense of Insider Trading • Combating the Securities Fraud in the Stock Exchange (The Case of the U.S.) • Some Considerations on Judgments about the Insider Trading in the Stock Exchange • The Stock Broker Liability and the Process of Bringing the Case before the Proper Forum • The Liability of Brokers for the Unauthorized Transaction of Securities in the Approach of Arbitration Board • Sukuk's Rule in Financing the Projects and its Rules and Regulations • Arbitration of Disputes in Commercial Paper Market • The Nature and the Jurisdictions of the Board of Arbitration of the Stock Exchange • The Rules Governing the Formation of Public Joint-Stock Companies in light of the Securities Market Act • Legal Consequences of Iran's Accession to WTO on Securities Service • Cross-Border Stock Exchange Mergers: an Illusion or a Reality?

Critique and Presentation

Some Considerations on the "ICJ's Kosovo Advisory Opinion" • Considerations on the Concept of the 'Aggression' in the Review Conference of the Statute of International Criminal Court • Some Critics on the Modern Law of Compulsory Insurance of the Owners of Vehicles 2008 • The Non-Traditional Trademarks • Resolution 1929 of the Security Council: The Challenges of the Power and the Right in a Divided World • The 6th Round of the Moot Court Simulation of the International Criminal Court's Session (2010 Summer and Autumn)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study